

رابطه میان تروریسم و مخاصمات مسلحانه؛ با نگاهی به وضعیت افغانستان

(مقاله علمی-پژوهشی)

مصطفی فضائلی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۴

چکیده

امروزه، جامعه بین‌المللی عموماً این واقعیت را پذیرفته که تروریسم در همه اشکال و نمودهایش، یکی از جدی‌ترین تهدیدها علیه صلح و امنیت بین‌المللی است و هرگونه عملیات تروریستی با قطع نظر از نوع انگیزه، زمان، مکان و عاملانش، وصف مجرمانه دارد. منطقه غرب آسیا و خاورمیانه، به‌ویژه افغانستان، طی دهه‌های اخیر از کانون‌های عملیات تروریستی در جهان بوده است. در همین زمان، این منطقه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی متعددی را نیز شاهد بوده است و در مواردی این دو پدیده در هم آمیخته‌اند؛ به‌گونه‌ای که سبب طرح این مسئله شده که چه نسبت و رابطه‌ای میان عملیات تروریستی و مخاصمات مسلحانه وجود دارد؟ عملیات تروریستی، در مواردی که بخشی از خشونت‌های مرتبط با مخاصمات مسلحانه را تشکیل می‌دهد، تابع کدام نظام حقوقی است؟ آیا حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری بر آن حاکم خواهد بود؟ یا اقدام‌هایی مجرمانه است که هرچند در بستر مخاصمه مسلحانه واقع شده باشد، تابع حقوق داخلی کشورهای ذی‌ربط و مشمول تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه مبارزه با تروریسم است؟ یا هم‌زمان مشمول هر دو دسته *مقررات حقوقی خواهد بود؟ پاسخ به این مسئله با نگاهی به وضعیت افغانستان وجهه همت این پژوهش است که با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و رویه‌های بین‌المللی و به روش توصیفی-تحلیلی در جهت نیل به آن تلاش شده و به اثبات این فرضیه کوشیده است که عملیات تروریستی مرتبط با مخاصمات مسلحانه می‌تواند هم‌زمان مصداق عناوین مجرمانه متعدد باشد و همچنین مشمول حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه و کیفری و موجب مسئولیت بین‌المللی دولت یا دولت‌های ذی‌ربط و مسئولیت کیفری افراد شود.

کلید واژگان:

تروریسم، مخاصمات مسلحانه، جرائم جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، افغانستان

* دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.

مقدمه

تروریسم اگرچه پدیده نوظهوری نیست، تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی، امنیتی، نظامی و توسعه دانش و فناوری اشکال و جلوه‌های تازه‌ای پیدا کرده است. به تناسب این تحول، راه‌ها و ابزارهای مقابله با تروریسم نیز نیازمند تحول و پویایی است. در گذشته، پدیده تروریسم عمدتاً موضوعی داخلی بوده، اما به تدریج ابعاد فراملی و بین‌المللی پیدا کرده است. پدیده‌هایی مانند توسعه ارتباطات، سرعت گردش اطلاعات، جهانی شدن و درنوردیدن مرزهای جغرافیایی و سیاسی کشورها، امکانات و فرصت‌های تازه‌ای را فراچنگ افراد و گروه‌های تروریستی قرار داده است و تنوع اعمال تروریستی را سبب شده است (سبحانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۸). کما اینکه در گذشته، اغلب، عملیات تروریستی به دست افراد و گروه‌های معارض علیه مقامات و مأموران دولتی اتفاق می‌افتاده است، اما امروزه گاهی چنین عملیاتی را دولت علیه چنین افراد و گروه‌هایی مرتکب می‌شود؛ پدیده‌ای که از آن تحت عنوان تروریسم دولتی یاد می‌شود. گاهی عملیات تروریستی دارای هر دو جنبه بین‌المللی و دولتی است؛ یعنی به دست مقامات و مأموران یک دولت علیه شهروندان، مقامات و مأموران دولت دیگر صورت می‌پذیرد.

از سوی دیگر، پدیده تروریسم گاهی در بستر یک مخاصمه مسلحانه رخ می‌دهد و با مصادیق جرائم جنگی انطباق پیدا می‌کند. گاه ممکن است خود در مقیاسی آن قدر بزرگ واقع شود که بتواند به آستانه یک مخاصمه مسلحانه نزدیک شود و توسل به زور در مقام دفاع از خود را از سوی قربانیان توجیه کند. همچنین ممکن است با احراز عناصر مؤلفه و شروط مقرر در حقوق بین‌الملل کیفری، با مصادیق نسل‌کشی یا جنایت علیه بشریت منطبق شود.

منطقه خاورمیانه، خصوصاً افغانستان، در دهه‌های اخیر هم درگیر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی و هم مواجه با پدیده تروریسم بوده است و در بسیاری موارد این دو با هم درآمیخته‌اند. تشخیص نوع ارتباط میان عملیات تروریستی با مخاصمات مسلحانه از جمله از این جهت دارای اهمیت است که در تعیین نوع مراجع صلاحیت‌دار و نظام حقوقی حاکم بر تعقیب کیفری عاملان آن عملیات اثرگذار خواهد بود.

به منظور بررسی این مسئله، لازم است نخست بحثی هرچند کوتاه درباره مفهوم و عناصر مؤلفه جرم تروریسم صورت گیرد، آنگاه به بررسی رابطه میان تروریسم و جرائم جنگی، جنایات

علیه بشریت و نسل‌کشی در بستر مخاصمات مسلحانه با نگاهی به وضعیت افغانستان مبادرت شود. به این منظور، با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و با کاربست روش توصیفی-تحلیلی سعی مقتضی در نیل به پاسخ‌های علمی حقوقی به پرسش‌های مطروحه صورت گرفته است. می‌توان گفت میان تروریسم و جرائم مرتبط با مخاصمات مسلحانه نسبت عموم و خصوص من وجه وجود دارد؛ به این معنا که عملیات تروریستی می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد؛ کما اینکه ممکن است از مصادیق جنایت علیه بشریت یا نسل‌کشی محسوب شود و ممکن است به‌منزله جرمی مستقل و بی‌ارتباط با مخاصمه مسلحانه واقع شود؛ کما اینکه در بسیاری موارد اعمال تشکیل‌دهنده جرائم جنگی، جنایات علیه بشریت یا نسل‌کشی مصداق تروریسم شناخته نمی‌شوند. در فرض نخست، موضوع تابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و می‌توان عاملان ارتکاب عملیات تروریستی را بر اساس حقوق بین‌الملل کیفری نزد دیوان کیفری بین‌المللی مطابق شروط مندرج در اساسنامه این دیوان یا نزد محاکم کیفری بین‌المللی خاص، محاکمه کرد؛ کما اینکه دادگاه‌های ملی نیز می‌توانند بر اساس صلاحیت جهانی به تعقیب آن‌ها مبادرت ورزند. اما در فرض دوم، اعمال صلاحیت کیفری بر مبنای سرزمین یا شخصیت فعال یا منفعل، مطابق با قوانین داخلی کشورهای ذی‌ربط یا در برخی موارد بر مبنای صلاحیت جهانی خاص بر اساس مقررات معاهداتی امکان‌پذیر خواهد بود.

۱. مفهوم، عناصر مؤلفه و تعریف تروریسم:

۱.۱. مفهوم تروریسم

معمولاً، دولت‌ها در بیان مفهوم تروریسم و تشخیص مصادیقش بر اساس ملاحظات سیاسی عمل می‌کنند (حیدری و پورقصاب امیری، ۱۴۰۰:۱۱)، اما وقتی تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل مطالعه شود، مفهوم و تعریفی عام و پذیرفته‌شده بین‌المللی مورد انتظار است. لیکن، پژوهشگران حقوق بین‌الملل عموماً اذعان دارند که هیچ تعریف پذیرفته‌شده جهانی بلامنازع وجود ندارد.^۱ این واقعیت ناخوشایند خود به‌مثابه مانعی بر سر راه اقدام‌های ضد تروریستی هماهنگ بین‌المللی و همکاری قضایی بین‌المللی در مبارزه با تروریسم عمل کرده است.

1. E. Chadwick, Self-determination, Terrorism and the International Humanitarian Law of Armed Conflict, The Hague 1996, at 2; A. Zimmermann, Commentary to Article 5: Crimes→

اما به باور برخی نویسندگان، تروریسم صرفاً واژه‌ای است برای اشاره به فعالیت‌هایی که چه از سوی دولت‌ها و چه افراد صادر شود، مورد مخالفت گسترده قرار گرفته و غیرقانونی شناخته می‌شود.^۱ شاید منظور این است که آنچه با واژه تروریسم به آن اشاره می‌شود، به‌واقع مصداق یک یا چند عنوان از پیش جرم‌انگاری شده است که تنها از برخی جهات خصوصیت دارد؛ از جمله اینکه متضمن ارعاب و ارهاب است و به‌منظور وادارکردن دولت یا سازمانی به انجام‌دادن کاری یا خودداری از انجام‌دادن عملی ارتکاب می‌یابد. ولی این پرسش جا دارد که آیا این خصوصیات، جرم‌انگاری مستقل تروریسم را توجیه نمی‌کند؟ با اذعان به دشواری‌های خاص تعریف تروریسم در حقوق بین‌الملل که بحث‌های بی‌پایانی را دامن زده است، شاید این پرسش مطرح شود که اصولاً تعریف پذیرفته‌شده جهانی چه ضرورتی دارد؟ در پاسخ باید گفت، اگر قرار باشد اعمال و رفتاری در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع شود و به‌ویژه در حقوق بین‌الملل کیفری جرم‌انگاری شود، حتماً باید عناصر تشکیل‌دهنده آن مشخص باشد؛^۲ در غیر این صورت، اعمال صلاحیت کیفری برای مقابله با آن، با چالش مواجه می‌شود. نظر مجمع عمومی ملل متحد که می‌گوید تأثیر مبارزه با تروریسم را می‌توان با ایجاد تعریفی عام از تروریسم بین‌المللی افزایش داد، به همین نکته اشاره دارد.^۳

البته باید گفت در حقوق بین‌الملل بیش از آنکه با کمبود تعریف تروریسم مواجه باشیم، فراوانی تعاریف مشکل‌ساز شده است. بسیاری تعاریف در برخی اسناد بین‌المللی برای اهداف خاص تنظیم شده‌اند.^۴ این تنوع تعاریف تا حدودی ناشی از تنوع تعاریف داخلی است که تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند.^۵ علت عمده اختلاف دولت‌ها در تعریف تروریسم ملاحظات سیاسی است؛ از جمله دربارهٔ نهضت‌های آزادی‌بخش چنین اختلافی میان کشورهای در حال

→Within the Jurisdiction of the Court”, in: O. Triffterer, Commentary on the Rome Statute of the International Court, 1st ed., Baden-Baden 1999, 97-106, at 99.

1. Higgins, R. ‘The General International Law and Terrorism’ in R. Higgins and M. Flory (eds.), Terrorism and International Law (London: Routledge, 1997) at 27-28.

2. Bassiouni, C. ‘Introduction to International Criminal Law’ (New York: Transnational Publishers, 2003) at 63.

3. The UN General Assembly noted already in 1991 that the “effectiveness of the struggle against terrorism could be enhanced by the establishment of a generally agreed definition of international terrorism” (UN doc. A/RES/46/51 December 9 2001).

۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک. محسن عبداللہی، تروریسم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش، ۱۳۸۸، صص ۶۵-۶۹.

5. M. Kovač: International criminalization of terrorism, Hrvatski ljetopis za kazneno pravo i praksu (Zagreb), vol. 14, broj 1/2007, str. 269.

توسعه و کشورهای توسعه‌یافته مشهود است (سبحانی و دیگران، ۱۳۹۸:۹۱). هر دولتی ممکن است تروریسم را به دلخواه خود تعریف کند، اما وقتی چندین دولت در سطح منطقه‌ای یا فرمانطقه‌ای تحت تأثیر تروریسم باشند، مجبور به همکاری برای سرکوب آن خواهند بود و این مهم بدون تعریفی مشترک، هرچند نه‌چندان دقیق، میسر نخواهد شد. در عین حال، بیش از هشتاد سال بحث درباره تروریسم به‌مثابه موضوعی با ابعاد بین‌المللی، این باور عمومی را تحمیل می‌کند که وجود تعریفی جهانی از تروریسم در حقوق بین‌الملل ضرورت حیاتی دارد.

۱.۲. عناصر مؤلفه تروریسم

تروریسم مانند هر رفتار مجرمانه دیگر با عناصر مادی و معنوی آن شناخته می‌شود. عنصر مادی تروریسم شامل اعمالی است که اغلب طبق قوانین کیفری ملی جرم‌انگاری شده است؛ مانند قتل، بمب‌گذاری، هواپیمارمایی و گروگان‌گیری. البته ممکن است برخی رفتارها فی‌نفسه مجرمانه نباشد، اما در شرایط خاصی غیرقانونی تلقی شود،^۱ مانند تأمین مالی یک سازمان که به‌خودی‌خود غیرقانونی نیست، لیکن در شرایطی ممکن است مصداق جرم تأمین مالی تروریسم محسوب شود.^۲

یکی از مناقشات در تعریف تروریسم ماهیت قربانیان است. آیا ویژگی خاصی در خصوص قربانیان شرط است، مثل آنچه در جنایت علیه بشریت گفته می‌شود که باید علیه جمعیت غیرنظامی باشد؟ در این خصوص می‌توان گفت با توجه به بستر ارتکاب جرم، قربانیان تروریسم ممکن است اشخاص خصوصی، دولتی، غیرنظامی یا حتی نظامی یا کارمندان یک سازمان باشند.

1. Cassese, A. 'The Multifaceted Criminal Notion of Terrorism in International Law', 4 Journal of International Criminal Justice 933-958 (2006) at 934.

۲. البته گفتنی است که هرچند بر اساس منطق کلاسیک حقوق کیفری، تعقیب کیفری هرگونه اقدامی که به‌منظور تسهیل ارتکاب جرمی انجام شود، از جمله تأمین مالی آن، تحت عنوان معاونت در جرم امکان‌پذیر است (نک. سیدعلی هنجنی و سعید فرهادنیا، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های تروریستی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۹۷، ص ۸۰)، در حال حاضر پیرو سیاست کیفری افتراقی، تأمین مالی تروریسم خود تحت عنوانی مستقل جرم‌انگاری شده است (نک. محمدعلی حاجی ده‌آبادی و سعیده خاتمی، «سیاست جنایی ایران در قبال جرم تأمین مالی تروریسم در پرتو الزامات بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، پاییز ۱۳۹۷، ص ۴۳). رویکرد منعکس در اسناد بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم نیز حاکی از تلقی تأمین مالی تروریسم به‌منزله جرم مستقل است.

جنبه دیگر درخور توجه در عنصر مادی تروریسم، قلمروی فعالیت تروریستی است. هرگاه فعالیت تروریستی درون قلمروی یک کشور واقع شود و فاقد عنصر خارجی باشد، موضوعی داخلی تلقی می‌شود و فاقد جنبه حقوقی بین‌المللی است.^۱ ولی چنانچه به کشور یا کشورهای دیگر هم مرتبط باشد، جنبه بین‌المللی دارد و به حقوق بین‌الملل ارتباط پیدا می‌کند. البته باید گفت با قطع نظر از وجود عنصر خارجی، مبارزه با تروریسم در راستای تعهدات حقوق بشری می‌تواند دارای وصف حقوقی بین‌المللی باشد.

اما عنصر معنوی تروریسم شامل دو قصد می‌شود: قصد عام در خصوص انجام دادن فعل مجرمانه و قصد خاص برای دستیابی به هدف مد نظر و آن ایجاد رعب و وحشت در بین مردم یا گروهی از مردم یا اشخاصی خاص، به منظور وادار کردن مقام دولتی یا خصوصی به انجام دادن امری یا اجتناب از عملی. تمرکز اصلی بر تأثیر اقدام تروریستی است و ایجاد رعب وسیله است. ضمن اینکه هدف نباید شخصی باشد، بلکه باید مبتنی بر ملاحظات سیاسی، ایدئولوژیک، قومی یا مذهبی باشد تا در چارچوب تروریسم طبقه‌بندی شود.^۲ به‌رغم مناقشات مفهومی درباره تروریسم، درکی جهانی درباره پدیده تروریسم بین‌المللی شکل گرفته است و شاهد محکومیت عمومی آن از سوی جامعه بین‌المللی هستیم. ابهام در تعریف تروریسم بین‌المللی زمانی مشکلی جدی خواهد بود که مانع جرم‌انگاری آن باشد و در پی آن ابهاماتی را درباره مسئولیت کیفری، صلاحیت قضایی، تعهدات دولت‌ها و دیگر بازیگران بین‌المللی برانگیزد و همکاری بین‌المللی را با چالش مواجه سازد.

۱.۳. تعریف تروریسم

از نظر برخی نویسندگان در مقام ارائه یک تعریف عام، می‌توان تروریسم را عبارت از «کاربرد یا تهدید به کاربرد غیرقانونی زور و خشونت علیه افراد یا اموال غیرنظامی به‌منظور مجبور یا مرعوب کردن حکومت‌ها با هدف دستیابی به مقاصد سیاسی، مذهبی و ایدئولوژیک» دانست.^۳ البته، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به‌منزله تجلی‌گاه باور عمومی جامعه بین‌المللی، در

۱. نک. فاطمه کیهانلو، «جایگاه مرتکبان جرائم تروریستی در احراز وضعیت پناهندگی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸۸، ص ۳۲۱.

2. Cassese A., op. cit., at 940.

3. Harry Henderson, Global Terrorism: The Complete Reference Guide, Switzerland, Geneva.201, p. 4.

قطعه‌نامه ۴۹/۶ (۹ دسامبر ۱۹۹۴)^۱، با عنوان «تدابیر مقابله با تروریسم بین‌المللی»، در توصیف تروریسم این‌گونه مقرر داشته است: «اعمال جنایت‌کارانه‌ای که برای ایجاد وحشت در میان عموم مردم، گروهی از اشخاص یا اشخاصی خاص، برای مقاصد سیاسی قصد یا برنامه‌ریزی شده است، با قطع نظر از هرگونه ملاحظات سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، نژادی، قومی، مذهبی یا هر ملاحظه دیگری که ممکن است برای توجیه آن به کار گرفته شود.» مجمع این‌گونه اعمال را در هر شرایطی توجیه‌ناپذیر دانسته است.

اما شورای امنیت در قطعه‌نامه ۱۵۶۶ (۲۰۰۴)، با تعابیری نسبتاً دقیق‌تر تروریسم را این‌گونه معرفی کرده است: «اقدام‌های جنایت‌کارانه، به قصد قتل یا جراحت جسمی شدید یا گروگان‌گیری از جمله علیه افراد غیرنظامی، به منظور ایجاد حالت وحشت در عموم مردم یا گروهی از اشخاص یا افرادی خاص، با هدف وادار کردن یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام دادن کاری یا خودداری از عملی.» بر این اساس، ایجاد وحشت به مثابه ابزار تروریسم می‌تواند در سه سطح عمومی، گروهی و فردی به کار گرفته شود. برای مثال، بسیاری از اعمال تروریستی ارتكابی در افغانستان طی دو دهه اخیر، طبق گزارش دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، متوجه عموم مردم افغانستان بوده و قربانیان خود را از اقشار، اقوام و گروه‌های مختلف جمعیت، هدف قرار داده است.^۲ اما برخی عملیات تروریستی در افغانستان اعضای یک گروه قومی، زبانی یا مذهبی خاص را هدف قرار داده است.^۳ گاهی نیز ممکن است افراد خاصی هدف عملیات تروریستی واقع شوند؛ مانند آنچه در ایران درباره دانشمندان هسته‌ای شاهد بوده‌ایم.

اعمال تروریستی ممکن است علاوه بر اشخاص، اموال و منابع اقتصادی یا ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشوری را هدف قرار دهد. همان‌طور که تعریف اتحادیه اروپا (ماده یک چارچوب مبارزه با تروریسم «۲۰۰۲»)، دلالت دارد: «جنایات تروریستی، برخی اعمال جنایت‌کارانه هستند که در فهرستی از جرائم شدید علیه اشخاص یا اموال قرار گرفته‌اند و با توجه

1. See also the Resolution of the Sixth Committee of the UN (19 November 2001), A/C.6/56/L.22, para 2.

2. ICC, Public redacted version of "Request for authorization of an investigation pursuant to article 15", 20 November 2017, ICC-02/17-7-Conf-Exp; Red 20-11-2017 1/181, NM PT.

۳. قتل عام فجیع مردم هزاره‌ای شیعه در مزارشریف به دست گروه طالبان در سال ۱۹۹۸ را می‌توان مصداق جنایت نسل‌کشی دانست. رک.

The Massacre In Mazar-I Sharif, available at; www.hrw.org, 1998.

به ماهیت و زمینه آن، ممکن است به یک کشور یا سازمان بین‌المللی، با هدف مجبورکردن غیرقانونی آن به انجام یا خودداری از انجام عملی، یا بی‌ثبات‌سازی جدی یا تخریب بنیادی ساختار سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی آن، آسیب شدید وارد کنند.» این تعریف در مقایسه با تعاریف قبلی جامع‌تر به نظر می‌رسد، زیرا هم در عنصر مادی علاوه بر جرائم علیه اشخاص به جرائم علیه اموال نیز اشاره کرده است و هم در عنصر معنوی علاوه بر قصد ایجاد وحشت عمومی و هدف سیاسی وادارکردن دولت یا سازمان به انجام یا عدم انجام عملی، هدف بی‌ثبات‌سازی یا تخریب بنیادی ساختار سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی یک کشور یا سازمان را نیز افزوده است. بر این اساس، می‌توان از مفهوم تروریسم اقتصادی نیز سخن به میان آورد و برای مثال تحریم‌های به‌اصطلاح فلج‌کننده غیرقانونی را که با هدف فروپاشی ساختار اقتصادی یک ملت صورت می‌گیرد، مصداق آن به شمار آورد.

از سوی دیگر، گاهی تروریسم به دست دولتی علیه مردم خودش واقع می‌شود و گاهی اقدام دولت در حمایت از تروریسم بین‌المللی است. معمولاً تروریسم دولتی در کشورهای دموکراتیک علیه مردم خودشان اتفاق نمی‌افتد، بلکه از تروریسم علیه سایر کشورها پشتیبانی می‌شود.^۱ در مجموع می‌توان گفت تروریسم اغلب، اگرچه نه همیشه، با چهار مؤلفه تعریف می‌شود:

۱- کاربرد خشونت یا تهدید به آن؛

۲- ایجاد وحشت با انجام اعمالی که جلب توجه عمومی کند؛

۳- هدف گرفتن عمدی غیرنظامیان یا سایر افراد و گروه‌های تحت حمایت بین‌المللی؛

۴- هدف سیاسی؛ وادارکردن یک دولت یا سازمان به اتخاذ تصمیم یا اقدامی یا خودداری از آن (با انگیزه‌های ایدئولوژیک، نژادی، قومی، مذهبی و مانند این‌ها).

۲. تروریسم و حقوق بین‌الملل بشردوستانه

پدیده تروریسم ممکن است در بستر یک مخاصمه مسلحانه رخ دهد و با مصادیق جرائم جنگی یا جنایت علیه بشریت یا جنایت نسل‌کشی انطباق پیدا کند. گاه ممکن است خود در مقیاسی آن قدر بزرگ رخ نماید که بتواند به آستانه یک مخاصمه مسلحانه نزدیک شود و توسل

1. United Nations, Various Definitions of Terrorism Controversy in Defining Terrorism, pp.1-3, available at: <https://dema.az.gov/sites/default/files/Publications/AR-Terrorism%20Definitions-BORUNDA.pdf>, visited on August 11, 2021.

به‌زور را از سوی طرف مقابل در مقام دفاع از خود توجیه کند. همچنین، در شرایط صلح نیز ممکن است با احراز عناصر و شروط مقرر در حقوق بین‌الملل کیفری، با مصادیق نسل‌کشی یا جنایت علیه بشریت منطبق شود. همان‌گونه که گذشت، تشخیص وجود و نوع ارتباط میان عملیات تروریستی با مخاصمات مسلحانه از جهت تعیین نوع مراجع صلاحیت‌دار و نظام حقوقی حاکم بر تعقیب کیفری عاملان آن عملیات دارای اهمیت است. مسئله دیگر این است که اعمال تروریستی در چه صورتی تابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه خواهد بود یا ارتکاب تروریسم در چه شرایطی می‌تواند جنایت بین‌المللی شناخته شود و موجبات مسئولیت کیفری بین‌المللی عاملان آن را فراهم کند و تابع اصل صلاحیت جهانی یا مضمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار گیرد. توجه به این نکته لازم است که هرگاه دو یا چند دولت با انعقاد معاهده خاصی برخی اعمال را که پیش از این در زمره امور تحت صلاحیت انحصاری دولت‌ها بوده، جرم‌انگاری کنند، چنین اقدامی به‌خودی‌خود موجب شناسایی مسئولیت کیفری بین‌المللی برای عاملان ارتکاب آن اعمال نمی‌شود،^۱ بلکه اثر اصلی چنین معاهداتی این خواهد بود که دولت‌های عضو را ملزم به جرم‌انگاری اعمال موضوع معاهده در قوانین داخلی و نیز متعهد به همکاری با سایر اعضا در زمینه تحقیق، تعقیب و محاکمه و مجازات عاملان ارتکاب آن جرائم می‌کند. به این‌گونه جرائم، «جرائم معاهداتی» گفته می‌شود. بنابراین، جرائم معاهداتی مستلزم مسئولیت کیفری در قلمرو نظام‌های ملی دولت‌های عضو معاهده خواهد بود و تابع اصل «محاکمه یا مسترد کن» است. لیکن این چنین جرائمی لزوماً مسئولیت کیفری بین‌المللی را نتیجه نمی‌دهد تا بتوان از صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی یا از اصل صلاحیت جهانی درباره آن‌ها سخن گفت.

کما اینکه هرگاه چنان اعمالی بی‌ارتباط با مخاصمه مسلحانه واقع شوند، تابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه نخواهند بود؛ زیرا اصولاً حقوق بشردوستانه منحصرأ نسبت به وضعیت‌های مشتمل بر درگیری‌های مسلحانه خواه بین‌المللی و خواه غیر بین‌المللی قابلیت اعمال خواهد داشت.^۲ تروریسم بین‌المللی را می‌توان مصداق جرائم معاهداتی دانست که موضوع چندین کنوانسیون بین‌المللی است. این کنوانسیون‌های بین‌المللی که از سال ۱۹۶۳ میلادی تاکنون منعقد شده‌اند،

1. Marks, S. and Clapham, A. 'International Human Rights Lexicon' (Oxford: Oxford University Press, 2005) at 226.; M. Kovač, supra note 6, at. 274.

۲. فلک، دیتز، *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*، ترجمه سید قاسم زمانی و نادر ساعد، تهران، مؤسسه شهر دانش، ۱۳۹۲، ص. ۱۸.

فی الجمله از تروریسم به مثابه یک جرم بین‌المللی یاد می‌کنند.^۱ این قبیل کنوانسیون‌ها مبانی صلاحیت کیفری دولت‌های عضو را در قبال تروریسم در دو مقوله دسته‌بندی می‌کنند: نخست، همان مبانی شناخته‌شده صلاحیت ملی شامل صلاحیت سرزمینی و صلاحیت شخصی (فعال و منفعل) و دیگری که ویژه جرائم بین‌المللی است و از طریق کنوانسیون‌های ضد تروریسم رواج یافته، نوعی صلاحیت جهانی است. اصل صلاحیت جهانی بر این فرض استوار است که هر دولتی در اعمال صلاحیت در خصوص جرائم سنگینی که دولت‌ها عموماً آن را محکوم کرده‌اند، دارای منافعی است.^۲ معاهدات ضد تروریسم تنها دولت‌های عضو را ملزم به اعمال صلاحیت در خصوص متهمانی می‌کند که در قلمرو آن‌ها حضور داشته باشند و می‌تواند نقش مهمی در مبارزه با تروریسم ایفا کند. بنابراین، یکی از راهکارهای مؤثر در مبارزه با تروریسم در هر منطقه می‌تواند انعقاد معاهدات منطقه‌ای در این زمینه باشد^۳ که به نظر برای منطقه غرب آسیا نیز دور از دسترس نیست.

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به وضعیتی با عنوان تروریسم توجه نشده است. از نظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شخص یا رزمنده است یا غیرنظامی^۴ و از وضعیتی به نام تروریست به نحو ایجابی یا سلبی به صراحت سخنی گفته نشده است و اعضای نیروهای مسلح همه رزمنده‌اند؛ مگر کارکنان پزشکی و روحانیان.^۵ تمایز میان رزمنده و غیر رزمنده مهم است، زیرا رزمنده را نمی‌توان به دلیل اعمال قانونی در عملیات نظامی زمان جنگ محاکمه کرد؛ حتی اگر آن اعمال در زمان صلح جرم سنگین محسوب شوند. در صورت دستگیری هم وضعیت اسیر

1. Cassese, supra note 7, at 942

2. Randall, K. 'Universal Jurisdiction under International Law' 66 Texas Law Review 785-842 (1988) at 788.

۳. تاکنون کنوانسیون‌های منطقه‌ای متعددی برای مبارزه با تروریسم منعقد شده است که برای نمونه می‌توان اشاره کرد به: کنوانسیون سازمان کشورهای آمریکایی درباره منع و مجازات اعمال تروریستی (۱۹۷۱)؛ کنوانسیون اروپایی برای سرکوب تروریسم (۱۹۷۷)؛ کنوانسیون منطقه‌ای سارک برای همکاری در سرکوب تروریسم (۱۹۸۷)؛ کنوانسیون کشورهای عربی برای سرکوب تروریسم (۱۹۹۸)؛ کنوانسیون همکاری میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع برای سرکوب تروریسم (۱۹۹۹)؛ کنوانسیون سازمان همکاری‌های اسلامی برای مبارزه با تروریسم (۱۹۹۹) و کنوانسیون اتحادیه آفریقا در منع و مبارزه با تروریسم (۱۹۹۹).

۴. نکد. بند الف ماده ۴ کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ و ماده ۴۳ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹.

5. Dustin A. Lewis, Naz K. Modirzadeh, and Gabriella Blum, Medical Care in Armed Conflict: International Humanitarian Law and State Responses to Terrorism (Harvard Law School Program on International Law and Armed Conflict (HLS PILAC), Sept. 2015). P.32., available at: <http://pilac.law.harvard.edu/research-menu/#research>

جنگی دارند و از حمایت‌های کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ برخوردارند. غیرنظامیان نیز تحت حمایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند. این مصونیت طبق پروتکل‌های اول و دوم ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ ادامه دارد تا وقتی که فرد غیرنظامی وارد درگیری مستقیم شود.^۱ بنابراین، ورود افراد غیرنظامی به مخاصمه منع نشده است، اما مصونیت را از دست می‌دهند.

توجه به این نکته مهم است که غیرنظامی حتی اگر تروریست باشد، غیرنظامی است؛ مگر اینکه اعمال تروریستی او با مخاصمه مسلحانه ارتباط روشنی داشته باشد. به سخن دیگر، اعمال تروریستی تنها زمانی تابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه خواهند بود که ارتباط کافی با مخاصمه مسلحانه داشته باشند. بنابراین، همه اعمال تروریستی واقع شده در قلمرو تحت تأثیر مخاصمه مسلحانه بخشی از مخاصمه محسوب نمی‌شوند و مشمول حقوق بشردوستانه نیستند.^۲ اعمال تروریستی عادی ارتكابی به دست افراد یا سازمان‌های غیر درگیر در مخاصمه را باید از خشونت‌های تروریستی متمایز دانست که طرف‌های مخاصمه یا مرتبط با آن مرتکب می‌شوند.^۳ به سخن دیگر، اعمال تروریستی غیر مرتبط با مخاصمه تابع حقوق داخلی سازگار با سایر حوزه‌های ذی‌ربط حقوق بین‌الملل مانند حقوق بشر است. اما تا جایی که اعمال تروریستی ارتباط کافی با مخاصمه مسلحانه داشته باشند، مانند حملات علیه غیرنظامیان به منظور ایجاد رعب و وحشت با هدف وادار ساختن طرف به تسلیم، نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز خواهد بود.^۴

1. Articles 51(3) AP I and 13(3) AP II. Pursuant to Common Article 3(1); See U.S. Department of Defense, Law of War Manual §§ 2.9.1.2 and 2.9.4 (2015); see Yoram Dinstein, "The ICRC Customary International Humanitarian Law Study," 82 ILS (2006) 107 [citations omitted] (originally published in 36 IYHR 2006).

2. See, Ben Saul, "Terrorism and international humanitarian law," in Research Handbook on International Law and Terrorism 214 (ed. Saul, 2014).

۳. همان.

۴. برای مثال، بر اساس بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی، «اعمال یا تهدیدهای خشونت‌آمیز با هدف اصلی گسترش رعب و وحشت در بین مردم غیرنظامی، ممنوع است.» و طبق بند ۲ ماده ۴ پروتکل دوم، «... اقدامات ذیل علیه افرادی که شرکت مستقیم در جنگ نداشته‌اند یا از مشارکت در جنگ دست کشیده‌اند، چه آزادی آن‌ها محدود شده باشد یا نه، ممنوع است و باید همیشه و همه‌جا ممنوع باقی بماند: [...] اقدامات تروریستی.» این اعمال همچنین ممکن است نقض قوانین کیفری بین‌المللی و قوانین داخلی باشند. برای مثال، نک:

ICTY, Prosecutor v. Galić, Appeals Chamber, Judgment, Case No IT-98-29-A, November 30, 2006, pp. 39-44, paras. 87-90.

دیوان در این پرونده به این نتیجه رسید که «ممنوعیت رعب و وحشت علیه مردم غیرنظامی همان‌طور که در بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول و بند ۲ ماده ۱۳ پروتکل الحاقی دوم تصریح شده، به‌وضوح متعلق به حقوق بین‌الملل عرفی حداقل از زمان ورود آن به معاهدات است.» برای مثال، نک: ←

در عین حال، در وضعیت‌هایی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه را می‌توان اعمال کرد، قتل‌های ناقض قوانین بشردوستانه می‌تواند نقض حقوق بشر نیز شناخته شود.^۱

با وجود این، برخی اعمالی که ممکن است در حقوق داخلی به منزله تروریسم جرم‌انگاری شده باشند، در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع نیستند؛ هرچند این به آن معنا نیست که مجاز شمرده شده باشند، بلکه مد نظر قرار نگرفته‌اند. اما در عین حال، می‌توان ادعا کرد که طبق مفاد ماده ۳ مشترک و ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ و مواد ۳ و ۱۴ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷، عمل خشونت‌آمیز مغایر با اصول ضرورت، تناسب و تفکیک که با هدف اصلی وحشت‌پراکنی میان جمعیت غیرنظامی انجام می‌گیرد، به مثابه تروریسم قابل شناسایی است. به سخن دیگر، مفاد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در این زمینه حاوی همان مؤلفه‌های متداول در زبان مشترک راجع به تروریسم است که عنصر قربانیان بی‌گناه یا غیرنظامیان، عمل خشونت‌آمیز و وجود هدفی سیاسی را شامل می‌شود. از این روی، چون کنوانسیون چهارم ژنو به حقوق عرفی بدل شده است، می‌توان گفت مفهوم ترور مستفاد از این کنوانسیون قابلیت کاربرد جهانی دارد.

به هر حال، هرگاه اعمال تروریستی حین عملیات جنگی و مرتبط با مخاصمه مسلحانه ارتکاب یابد، علاوه بر وصف مجرمانه تروریسم، می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد. همچنین، ممکن است در زمان مخاصمه یا غیرمخاصمه با احراز شروط ذی‌ربط، جنایت علیه بشریت یا جنایت نسل‌کشی بشمار آید.

۳. تروریسم، جنایت بین‌المللی مشمول صلاحیت جهانی

همان‌گونه که گفته شد، تروریسم بر اساس معاهدات منعقدشده برای مبارزه با این پدیده مشمول صلاحیت کیفری معاهداتی است که دولت‌های عضو را ملزم به محاکمه یا استرداد مظنونان یا متهمان به ارتکاب اعمال تروریستی موضوع معاهده می‌کند. لیکن، برخی جرائم بین‌المللی مشمول صلاحیت جهانی به معنای عام و واقعی کلمه هستند. فهرست چنین جرائمی

→Hans Gasser, "Acts of terror, 'terrorism' and international humanitarian law," 84 IRRC No. 847 (2002) 554-62.

۱. سرتیبی، حسن، بردبار، موسی‌زاده، محمد، «بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۴، ش. ۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص. ۵۲.

به نحو حصری تعیین نشده است. اما به نظر می‌رسد صلاحیت جهانی درباره جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و جنایت نسل‌کشی چندان بحث‌انگیز نباشد. بر این اساس، چنانچه تروریسم بین‌المللی بتواند زیرگروه هر یک از این سه دسته جنایات تلقی شود، موجب مسئولیت کیفری بین‌المللی^۱ و مشمول صلاحیت جهانی خواهد بود.^۲ عملیات تروریستی مرتبط با مخاصمه مسلحانه می‌تواند وصف جنایت جنگی داشته باشد؛ کما اینکه اعمال تروریستی چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، در صورت احراز شرایط، می‌تواند مصداق جنایات علیه بشریت یا نسل‌کشی بشمار آید.

بر اساس گزارش دادستان دیوان کیفری بین‌المللی درباره وضعیت افغانستان، اطلاعات حاصله مبنای معقولی برای این باور است که اعضای طالبان و گروه‌های مسلح وابسته به آن‌ها مسئول جرائم ارتکاب‌یافته در وضعیت مورد بحث هستند. جرائمی که تشکیل‌دهنده جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی به‌مثابه بخشی از یک کمپین گسترده و سازمان‌یافته اربع، قتل‌های هدفمند و ربودن غیرنظامیانی بوده که به تصور طالبان، حامی دولت افغانستان یا نهادهای خارجی یا مخالف حکومت و ایدئولوژی طالبان بودند.^۳ از اول مه ۲۰۰۳، طالبان و گروه‌های مسلح وابسته به آن، علیه مردم غیرنظامی در سراسر خاک افغانستان حملات عمدی انجام داده‌اند. این حملات گروه‌های خاصی از غیرنظامیان حامی دولت افغانستان یا غیرنظامیان حامی نهادهای خارجی، یا غیرنظامیانی را که تصور می‌شود مخالف حکومت و ایدئولوژی طالبان هستند، هدف قرار داده است. این غیرنظامیان شامل این افراد می‌شوند: کارمندان دولت در تمام سطوح، اعضای پارلمان، ولسوالان و والیان، اعضای شورا و شورای ولایتی، کارمندان انتخابات، ملاها، رهبران قومی و

1. Based on Marks, S. and Clapham, A. 'International Human Rights Lexicon' (Oxford: Oxford University Press, 2005) at 226-227.

2. Enache Brown., C and Fried, A. 'Universal Crime Jurisdiction and Duty: The Obligation of Aut Dedere Aut Judicare in International Law' 43 McGill Law Journal 613-633 (1998) at 621.

۳. گزارش دادستان همچنین حاکی است اطلاعات حاصله دلالت بر این دارد که اعضای نیروهای امنیت ملی افغان به‌ویژه اعضای دایره امنیت ملی و پلیس ملی، در الگوهای سیستماتیک شکنجه و رفتار بی‌رحمانه با بازداشتی‌های مرتبط با مخاصمه در بازداشتگاه‌های افغان دخیل بوده‌اند. همچنین اطلاعات به‌دست‌آمده نشان از آن دارد که آژانس اطلاعات مرکزی ایالات‌متحده آمریکا (CIA) نیز مرتکب اعمالی مانند شکنجه، رفتار بی‌رحمانه، تجاوز و خشونت جنسی علیه بازداشتی‌های مخاصمه در افغانستان و موقعیت‌های دیگر، به‌ویژه در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ شده‌اند.

International Criminal Court, No.: ICC-02/17 Date: 20 November 2017. Para.4 Available at: www.https://www.icc-cpi.int/courtrecords/cr2017_06891.pdf

مذهبی، پزشکان و سایر ارائه‌دهندگان خدمات درمانی، معلمان، دانشجویان، مقامات قضایی، مترجمان، رانندگان کامیون، کشاورزان، کارگرانی که در کار ساختمانی با کاربری عمومی شرکت دارند، فعالان حوزه امور بشردوستانه، کارکنان سازمان ملل، کارمندان سازمان‌های غیردولتی، خبرنگاران، و افرادی که به برنامه صلح افغانستان پیوسته‌اند و بستگان‌شان.^۱

۳.۱. تروریسم به‌مثابه جنایت جنگی

به بیان کلی، جنایت جنگی وصف رفتار غیرقانونی حین مخاصمه مسلحانه تلقی می‌شود که ممکن است نیروهای هر یک از طرف‌های منازعه مرتکب شوند. بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری، اعمال تروریستی در زمان مخاصمه مسلحانه می‌تواند جنایت جنگی شناخته شود.^۲ هرگاه در جریان یک مخاصمه مسلحانه اعم از بین‌المللی یا غیر بین‌المللی، حمله به غیرنظامیان یا سایر اشخاص تحت حمایت به‌قصد ایجاد وحشت با هدف وادارکردن دولت یا سازمانی به اتخاذ تصمیم یا اقدامی یا اجتناب از آن صورت گیرد، می‌تواند جنایت جنگی توصیف شود. اساسنامه‌ها و رویه‌های برخی محاکم کیفری بین‌المللی نیز بر این موضوع دلالت دارند.^۳

همان‌گونه که اشاره شد، با رجوع به مقررات کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ می‌توان ماهیت جنایت جنگی اعمال تروریستی را اثبات کرد. هرچند به باور برخی نویسندگان، کنوانسیون‌های ژنو تنها در مواردی حاوی صلاحیت جهانی الزامی هستند که اعمال ارتكابی منجر به نقض‌های شدید کنوانسیون‌ها بشود؛ حال آنکه فعالیت‌های تروریستی در این کنوانسیون‌ها به‌صراحت به‌منزله موارد نقض شدید ذکر نشده است،^۴ اما در پاسخ باید گفت مفاد ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم که فهرستی از موارد نقض شدید را بیان می‌دارد، به مواردی مانند «کشتن افراد محافظت‌شده» اشاره می‌کند که شامل اقدام‌های تروریستی هم می‌شود؛ بنابراین، تروریسم

1. UNAMA, "Afghanistan Annual Report 2016: Protection of Civilians in Armed Conflict", February 2017, AFG-OTP-0006-3441 at 3511 ("UNAMA 2016 Annual Report")

2. Robert Arnold, *The Prosecution of Terrorism as a Crime Against Humanity*, 2004, p.10, at <http://www.zaoerv.de> © 2004, Max-Planck-Institut für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht

دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ ترور غیرنظامیان را هم جنایت جنگی و هم جنایت علیه بشریت ارزیابی کرده بود.

3. The Galić case, ICTY, Judgement, Galić (IT-98-29-T), Trial Chamber, 5 December 2003), (paragraphs 113-129). 66 ICTR Statute, Article 4(d); Article 3(d) of the 2000 Statute of the Special Court for Sierra Leone.

4. Cassese, A. 'The Multifaceted Criminal Notion of Terrorism in International Law', 4 *Journal of International Criminal Justice* 933-958 (2006) at 947.

می‌تواند مصداق نقض شدید کنوانسیون محسوب شود. به نظر می‌رسد وقتی اعمال تروریستی در درگیری مسلحانه و به‌مثابه جنایت جنگی ارتکاب می‌یابد، انگیزه عاملان و نوع تروریسم از حیث دولتی‌بودن یا نبودن چندان اهمیت ندارد، زیرا در زمان مخاصمه مسلحانه هرگونه انگیزه شخصی فاقد اهمیت حقوقی است. به سخن دیگر، در ارتکاب جنایات جنگی قصد خاص شرط نیست، بلکه می‌توان گفت آنچه ویژگی خاص اعمال تروریستی در زمان صلح است، یعنی ایجاد رعب و وحشت با هدف وادارکردن یک دولت یا سازمان به انجام‌دادن کاری یا اجتناب از عملی، همان قصد و هدف عام در عملیات جنگی است، زیرا غرض از جنگ و عملیات جنگی با قطع نظر از قانونی یا غیرقانونی بودنشان، همانا وادارکردن طرف مقابل به اتخاذ تصمیم یا اقدامی یا اجتناب از آن است.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون حاوی مقرراتی است که تروریسم را در بستر مخاصمه مسلحانه به‌منزله یک زیرگروه جرائم جنگی منع می‌کند.^۱ اما این دو اساسنامه تروریسم را به‌مثابه یک جرم مستقل در عرض سایر جنایات مرتبط با مخاصمه مسلحانه جرم‌انگاری نکرده‌اند. البته، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از تروریسم به‌مثابه یکی از جرائم جنگی یاد نمی‌کند، لیکن این سکوت را نباید دلیل بر نفی موضوع دانست، زیرا اساسنامه دیوان در بیان قواعد حقوق عرفی حصری عمل نکرده است.^۲ بنابراین، اعمالی که چنانچه خارج از مخاصمه مسلحانه واقع شود تروریسم محسوب می‌شود، هرگاه در ارتباط با مخاصمه مسلحانه ارتکاب یابد، می‌تواند در زمره جرائم جنگی به شمار رود. از این رو، هرگاه تروریسم در بستر مخاصمه‌ای مسلحانه واقع شود و نقض شدید مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه را محقق سازد، بی‌تردید در زمره جنایت جنگی لحاظ می‌شود و نه تروریسم؛ کما اینکه ممکن است بر حسب شرایط، مصداق جنایت علیه بشریت یا نسل‌کشی باشد.

در وضعیت افغانستان، به‌منظور بررسی امکان توصیف تروریسم به‌مثابه جرائم جنگی، نخست باید وجود مخاصمه مسلحانه در این کشور احراز شود. افغانستان از ۱۹۷۸ تا کنون، با شدت و

1. See, ICTR statute, Article 4(d), available at www.un.org/ict/statute.html; Article 3(d) of the 2000 Statute of the Special Court for Sierra Leone, available at: www.sc-sl.org/Documents/scsl-statute.html.

2. See, Article 10 of the ICC statute: "Nothing in this Part shall be interpreted as limiting or prejudicing in any way existing or developing rules of international law for purposes other than this Statute."

ضعف، عرصه مخاصمات مسلحانه بوده است. اما طی دو دهه اخیر به پدیده تروریسم نیز گرفتار شده است. در فاصله ۷ اکتبر ۲۰۰۱ تا ۱۹ ژوئن ۲۰۰۲، مخاصمه‌ای بین‌المللی میان افغانستان طالبان و ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا جریان داشت که به خلع طالبان از قدرت منجر شد. با شکل‌گیری دولت انتقالی، متعاقب موافقت‌نامه «بن» در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۲، درگیری‌ها در قالب مخاصمه‌ای غیر بین‌المللی ادامه یافته است، زیرا نیروهای خارجی در واقع با رضایت یا به دعوت مقامات افغان حضور داشتند و از طرفی گروه‌های ضد دولتی هم تحت کنترل هیچ دولت خارجی نبودند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز وضعیت افغانستان را از ۱۹ ژوئن ۲۰۰۲ مخاصمه غیر بین‌المللی توصیف کرده است. یوناما و کمیته ملی حقوق بشر افغانستان نیز همین توصیف را کرده‌اند. این وضعیت همچنان ادامه دارد. شورای امنیت نیز از ۲۰۰۱ وضعیت افغانستان را مطابق فصل هفتم منشور همواره وضعیت مخاصمه مسلحانه توصیف کرده است.

هم میزان شدت درگیری‌ها و هم سطح سازمان‌یافتگی طرف‌های مخاصمه، توصیف خشونت‌های جاری را به‌مثابه یک مخاصمه مسلحانه با ویژگی غیر بین‌المللی توجیه می‌کند. درگیری‌ها میان گروه‌های ضد دولتی و نیروهای حکومتی پیوسته جریان داشته و در ۲۰۱۵ به اوج رسیده بوده و با فراز و فرودهایی استمرار یافته تا در ۱۵ اوت ۲۰۲۱ به سرنگونی حکومت افغانستان به دست گروه طالبان و به قدرت رسیدن دوباره طالبان انجامیده است. تسلیحات و روش‌هایی که طرف‌ها استفاده کرده بودند، از نوع جنگی بوده، مانند راکت، خمپاره‌انداز، بمب‌گذاری، حملات انتحاری و سلاح‌های دیگر؛ هرچند البته سلاح‌های گروه‌های ضد دولتی در مقایسه با تسلیحات نیروهای مقابل سبک‌تر بوده است.

بنابراین، انواع عملیات تروریستی مرتبط با این مخاصمه که عمدتاً از سوی گروه‌های طالبان، حقانی و افراد وابسته به آن‌ها ارتکاب یافته، مصداق جنایت جنگی است. برای نمونه، طی سال‌های ۲۰۰۶ به بعد کمپینی از خشونت علیه مدارس به راه افتاد و صدها مدرسه دولتی با عملیات انتحاری، راکت، آتش‌زدن و مانند آن نابود شد. مدارس بنا به چند دلیل هدف حملات واقع شده‌اند: تعارض ایدئولوژیک با اصل آموزش‌ها یا آموزش دختران یا به این دلیل که نماد حضور دولت هستند. البته، گفته می‌شود از سال ۲۰۱۰ طالبان از حمله به ساختمان مدارس خودداری کرده‌اند، اما به حملات علیه معلمان، دانش‌آموزان و مدیران مدارس ادامه داده‌اند.

طالبان تا پیش از برآمدن دوباره، همچنان گروه عمده تروریستی شناخته می‌شد. در واقع، با کاهش فعالیت تروریستی داعش پس از نابودی آن در سوریه و عراق، طالبان مرگ‌بارترین گروه تروریستی در جهان شناخته شد و از داعش پیشی گرفت. فعالیت خشونت‌آمیز طالبان فراتر از حملات علیه اهداف نظامی/امنیتی بوده است. این حملات، انبوه تلفات غیرنظامی را به همراه داشته و از الگوی هدف قراردادن عمدی غیرنظامیان در حملات تروریستی نیز استفاده شده است. سهم کلی طالبان از حملات تروریستی در مقایسه با عملیات جنگی خود و عملیات تروریستی داعش، نشان‌دهنده این ویژگی طالبان بوده است.^۱

۳.۲. تروریسم به مثابه جنایت علیه بشریت

به خلاف جرائم جنگی که تنها در وضعیت مخاصمه مسلحانه امکان ارتکاب آن وجود دارد، جنایات علیه بشریت متوقف بر وجود مخاصمه مسلحانه نیست و می‌تواند در زمان جنگ و در زمان صلح با تحقق شروط و عناصر مؤلفه آن واقع شود. جنایت علیه بشریت شامل هر یک از اعمال ممنوعه برشمرده شده در حقوق بین‌الملل کیفری است که به مثابه بخشی از یک حمله گسترده یا نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی و با آگاهی شخص مرتکب به چنین حمله‌ای انجام می‌شود.^۲ البته، مفهوم جمعیت غیرنظامی را در این تعریف باید شامل اعضای نیروهای مسلح غیر درگیر در مخاصمه مسلحانه نیز دانست؛ هرچند اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری بین‌المللی به ظاهر قربانیان جنایات علیه بشریت را به غیرنظامیان محدود می‌کنند، نمی‌توان پذیرفت که حمله به کارکنان نظامی در زمان صلح یا حمله به افراد نظامی در زمان جنگ، ولی خارج از میدان نبرد و در محل سکونت آن‌ها، جنایت علیه بشریت محسوب نشود. محدود کردن جنایات علیه بشریت به غیرنظامیان در مفهوم خاص کلمه، مغایر با روح و منطق کلی حقوق بین‌المللی بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. بر این اساس، می‌توان گفت حقوق بین‌الملل عرفی چنین محدودیتی را مقرر نمی‌کند و محدود کردن حمایت از افراد در برابر جنایات وحشتناک و حملات بی‌رحمانه را به افراد غیرنظامی به‌ویژه در زمان صلح موجه نمی‌داند.^۳

1. Barnett R. Rubin, Andrey Kazantsev and Thomas F. Lynch III, Joint U.S.-Russia Working Group on Counterterrorism in Afghanistan, www.eastwest.ngo. p. 35.

۲. ماده ۷، اساسنامه رم.

3. Bassiouni, C. 'Introduction to International Criminal Law' (New York: Transnational Publishers, 2003), at 141-142; Cassese, supra note 7, At 948.

سوابق ناظر بر یافته‌های کمیسیون ۱۹۱۹ راجع به مسئولیت بانیان جنگ و اعمال مجازات نشان می‌دهد که «تروریسم سازمان‌یافته» جنایت علیه بشریت تلقی شده و نخستین بار بر اساس منشور دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ محاکمه شده است.^۱ بنابراین، اعمال تروریستی ممکن است مشمول تعریف جنایت علیه بشریت قرار گیرد؛ منوط به آنکه به اندازه کافی گسترده یا نظام‌مند باشد یا بخشی از یک حمله گسترده یا نظام‌مند به شمار آید. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جرائم علیه بشریت را جرائمی می‌داند که در راستای پیشبرد سیاست یک دولت یا سازمان واقع شود؛ بنابراین، اعمال تروریستی پراکنده بعید است از گستره یا نظام‌مندی کافی برخوردار باشد. در عین حال، گاه ممکن است عملی واحد به‌تنهایی از چنان وسعت، عمق و نظام‌مندی برخوردار باشد که خود جنایتی علیه بشریت ارزیابی شود. به بیان دیگر، گستردگی می‌تواند با معیارهای کمی مکانی و زمانی یا معیار کیفی ناظر بر عمق و آثار حمله سنجیده شود و نظام‌مندی را نیز می‌توان با احراز وجود طرح و سیاست دولت یا سازمانی در ورای آن حمله ارزیابی کرد.^۲

- حملات صورت‌گرفته در **افغانستان** در بسیاری اوقات علیه جمعیت غیرنظامی بوده است. جمعیت‌های غیرنظامی مورد حمله در افغانستان همه اقشار مردم را در بر گرفته است؛ از کارمندان دولت گرفته تا روحانیان و رهبران مذهبی و قبایل، اطبا و پرستاران، معلمان و اساتید، دانش‌آموزان و دانشجویان، رانندگان و کشاورزان و کارگران شاغل در خدمات عمومی، کارکنان نهادهای بشردوستانه، کارکنان ملل متحد و مستخدمان سازمان‌های غیردولتی، روزنامه‌نگاران و فعالان صلح و حقوق بشر. همچنین حملات علیه اماکن تحت حمایت، مانند مدارس، بیمارستان‌ها، وسایل نقلیه و سایر اموال و تجهیزات متعلق به جمعیت غیرنظامی، بازارها، ادارات دولتی، مساجد و سایر اماکن مقدس صورت گرفته است.
- حملات واقع‌شده، بخشی از سلسله حملات گسترده در افغانستان بوده است. دامنه حملات ارتكابی ضد جمعیت‌های غیرنظامی، هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ مکانی و جغرافیایی، گسترده بوده است.

1. Robert Arnold, op. cit. p. 9.

2. Jurisprudence of the ICTR and the ICTY, see www.ictt.org and www.icty.org.

- حملات در تعقیب یا پیشبرد سیاست سازمان بوده است. گروه‌های شناخته شده ضد دولتی در افغانستان که این اعمال مجرمانه را به آن‌ها انتساب می‌دهند، از قبیل طالبان، شبکه حقانی، القاعده، داعش و مانند آن، همه واجد وصف سازمان هستند. این گروه‌ها تقریباً به لحاظ ایدئولوژی و سیاست‌ها اشتراک‌هایی دارند و اغلب در طراحی و اجرای عملیات نظامی مشارکت کرده‌اند.
 - رهبری طالبان صریحاً اعلان کرده است که سیاستش حمله به غیرنظامیان است. این سیاست در اسناد رسمی صادره در قالب لایحه و فتوایی و نیز در بیانات عمومی مقامات رسمی و سخن‌گوها و نیز در فهرست‌های علنی غیرنظامیانی که باید کشته یا دستگیر شوند، آشکارا منعکس شده است^۱ که در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:
 - در لایحه ۲۰۰۶ مشخصاً اعلام کردند که معلمان^۲ و ملاحی که به آموزش مغایر با اصول اسلام ادامه دهند، باید کشته شوند^۳ و همه فعالان سازمان‌های غیردولتی خارجی باید ممنوع شوند و مدارس که برخلاف این هشدار ادامه دهند، باید به آتش کشیده شوند.^۴
 - در لوایح ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ فهرست اهداف اعلامی طالبان تعمیم یافت؛ به طوری که بر اساس آن، اعضای کابینه، پارلمان و شوراهای صلح، غیرنظامیان شرکت‌کننده در جریه و حکومت یا هرکس که در انتخابات سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ شرکت کرده است، باید کشته شود.^۵
- البته اشاره به این نکته لازم است که به‌ظاهر رهبری طالبان به جنگجویانش سفارش کرده از تلفات غیرنظامیان پرهیز کنند، اما تعریف طالبان از غیرنظامی بسیار مضیق و در تقابل با تعریف حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.^۶ از نظر طالبان هر کس به هر نحوی با حکومت افغانستان همکاری و همراهی داشته، از شمول عنوان غیرنظامی خارج است.

1. AI, "All who are not friends, are enemies: Taleban abuses against civilians", April 2007 ("All Who are Not Friends"), AFG-OTP-0002-3022 at 3034.

2. Articles 24-25, 2006 Layha, AFG-OTP-0003-3923 at 3948.

3. Article 25, 2006 Layha, AFG-OTP-0003-3923 at 3948.

4. Article 26, 2006 Layha, AFG-OTP-0003-3923 at 3948.

5. Article 25, 2010 Layha, AFG-OTP-0003-3923 at 3929.

۶. اطلاعات تفصیلی در این باره را می‌توان در گزارش دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ملاحظه کرد:
https://www.icc-cpi.int/courtrecords/cr2017_06891.pdf→

۳.۳. اعمال تروریستی به منزله جنایت نسل‌کشی

نسل‌کشی نیز همانند جنایات علیه بشریت، محدود و مقید به مخاصمه مسلحانه نیست و ممکن است در زمان صلح نیز واقع شود. وقوع جنایت نسل‌کشی وجود یک عنصر معنوی خاص را مفروض می‌دارد و آن عبارت از قصد نابودسازی کامل یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی است. عنصر مادی آن هم شامل یکی از پنج عمل ممنوعه توصیف‌شده در ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات جنایت ژنوساید است که در ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تکرار شده است.

بر این اساس، اعمال تروریستی زمانی می‌تواند مصداق نسل‌کشی باشد که عامل یا عاملان آن قصد نابودسازی کل یا بخشی از یک جمعیت ملی، قومی، نژادی یا مذهبی را داشته باشند. در چنین فرضی، مسئولیت کیفری بین‌المللی فردی ناشی از ارتکاب چنین اعمال تروریستی می‌تواند در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری و تحت شمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی یا تحت صلاحیت‌های کیفری ملی، بر اساس اصل صلاحیت جهانی، تعقیب و رسیدگی شود.^۱

از آنجا که قربانیان جنایات در افغانستان به گروه‌های مختلف قومی، زبانی و مذهبی تعلق داشته‌اند، نمی‌توان به‌سادگی اثبات کرد که اعمال ارتكابی مصداق نسل‌کشی بوده است. اگرچه درباره رفتار برخی گروه‌ها علیه شیعیان طرح چنین اتهامی دور از واقعیت نیست، رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در اثبات جنایت نسل‌کشی بسیار سخت‌گیرانه عمل کرده‌اند و آستانه اثبات این جرم را خیلی بالا برده‌اند. نکته درخور توجه در این زمینه این است که وجود انگیزه قومی، نژادی، زبانی و مذهبی در ارتکاب یک جنایت برای اثبات نسل‌کشی کافی به نظر نمی‌رسد، زیرا در جنایات علیه بشریت نیز ممکن است چنین انگیزه‌هایی وجود داشته باشد. به سخن دیگر، اینکه شخصی به دلیل قومیت، زبان، نژاد یا مذهبش قربانی یک جنایت واقع شود، غیر از این است که به‌قصد نابودسازی تمام یا بخشی از آن گروه قومی، نژادی، زبانی یا مذهبی

→ و نیز رک.

Clark, 2011, AFG-OTP-0001-0079 at 0098-0104; Shah, N., "The Taliban Layeha for Mujahidin and the Law of Armed Conflict", International Humanitarian Legal Studies, Vol. 3 (2012), AFGOTP-000

1. UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME Vienna Frequently Asked Questions on International Law Aspects of Countering Terrorism UNITED NATIONS New York, 2009, at 43. Visited on 12 September 2021 at: <https://www.unodc.org/documents/terrorism/Publications/FAQ/English.pdf>

قربانی جنایت واقع شده باشد. البته، جنایاتی از قبیل آنچه علیه شیعیان و هزاره‌های افغان شاهد بوده و هستیم و اغلب به گروه تروریستی داعش منتسب است، می‌تواند مصداق نسل‌کشی باشد؛ کما اینکه جنایات ارتكابی داعش و جبهه‌النصره علیه برخی گروه‌ها مانند ایزدی‌ها و علوی‌ها در سوریه می‌تواند اتهام جنایت نسل‌کشی را موجه جلوه دهد.

شاید هنوز نتوان مخاصمه مسلحانه داخلی افغانستان را تمام‌شده تلقی کرد، لیکن ادامه خشونت‌ها پس از استیلا دوباره طالبان بر این کشور اغلب نقض حقوق بنیادین بشر ارزیابی می‌شود. تازه‌ترین گزارش هیئت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) که ۲۰ جولای ۲۰۲۲ منتشر شد،^۱ نقض حقوق اولیه بشر را در سراسر کشور از زمان تسلط دوباره طالبان در ماه اوت سال گذشته تأیید می‌کند و طالبان را عهده‌دار مسئولیت قتل‌های غیرقانونی، شکنجه، دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه و نقض آزادی‌های اساسی معرفی می‌کند.

1. available at: <https://news.un.org/en/story/2022/07/1122892>. Visited on 08/01.2022

نتیجه گیری

هرگاه فعالیت‌های تروریستی به منزله بخشی از عملیات جنگی حین مخاصمه مسلحانه یا با ارتباط کافی با آن ارتکاب یابد، می‌تواند مصداق جنایت جنگی محسوب شود و چنانچه به مثابه بخشی از یک حمله گسترده یا نظام‌مند و با علم به آن حمله صورت گیرد، با مفهوم جنایات علیه بشریت انطباق می‌یابد و هرگاه علیه افراد متعلق به یک گروه قومی، زبانی، نژادی یا مذهبی و با قصد نابودسازی کل یا بخشی از آن گروه ارتکاب یافته باشد، عنوان جنایت نسل‌کشی بر آن صدق می‌کند. در هر یک از این صور، امکان تعقیب عاملان این جنایات نزد دیوان کیفری بین‌المللی یا دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه (در صورت تشکیل) بر اساس حقوق بین‌الملل کیفری یا از سوی محاکم ملی بر مبنای اصل صلاحیت جهانی و بر اساس حقوق کیفری ملی وجود خواهد داشت. در غیر این صورت، عملیات تروریستی تابع نظام‌های حقوقی و قضایی ملی یا تابع نظام حقوق معاهداتی (در صورت وجود)، خواهد بود.

آنچه در برخی کشورهای منطقه غرب آسیا مانند سوریه، عراق و به‌ویژه افغانستان طی دو دهه اخیر شاهد بوده‌ایم، عجین‌شدن اعمال تروریستی با مخاصمات مسلحانه بوده است. این وضعیت عمدتاً ناشی از حضور گروه‌هایی تروریستی مانند داعش و جبهه النصره در سوریه و عراق و گروه طالبان، شبکه حقانی و سایر گروه‌ها و اشخاص وابسته به القاعده در افغانستان و مبارزات آنها علیه دولت‌های قانونی و مستقر در این کشورها بوده است. انجام‌دادن عملیات تروریستی علیه افراد و جمعیت‌های غیرنظامی، به‌ویژه افراد و گروه‌های وابسته به اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی وجه بارز و مشترک رفتار خشونت‌آمیز این گروه‌های جنگجوی تروریستی بوده است. تعهد دولت‌ها دایر بر تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه و وظایف نهادهای بین‌المللی دارای مسئولیت‌های حقوق بشری و بشردوستانه ایجاب می‌کند تا در راستای اجرای عدالت و مبارزه با بی‌کیفرمانی، در خصوص تعقیب، محاکمه و مجازات عاملان مستقیم و غیرمستقیم جرائم جنگی، جنایات علیه بشریت یا جنایت نسل‌کشی در خلال مخاصمات مسلحانه در منطقه، به‌ویژه سوریه، عراق و بالأخص افغانستان هرگونه اقدام مقتضی را به عمل آورند.

به سخن دیگر، از آنجا که اغلب عملیات تروریستی ارتکاب‌یافته به دست طالبان، شبکه حقانی و سایر افراد و گروه‌های وابسته به القاعده در افغانستان و خارج از این کشور مرتبط با مخاصمات مسلحانه جاری بوده است، تحت عناوین مجرمانه عرفی بین‌المللی قابل تعقیب و

محاكمه بر اساس حقوق بین‌الملل کیفری خواهد بود. انتظار می‌رود نظام عدالت کیفری بین‌المللی در راستای مقابله با بی‌کیفرمانی و پاسداری از صلح و امنیت و اجرای عدالت در این زمینه به رسالت خود عمل کند. چگونگی این امر می‌تواند موضوع پژوهشی دیگر باشد. گفتنی است با تحولات اخیر در افغانستان و تسلط دوباره طالبان بر این کشور، به فرض تغییر ماهیت این گروه و تصمیم به پایبندی و اثبات التزام عملی به موازین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه و استقرار یک حکومت قانونی فراگیر، چیزی از بار مسئولیت این گروه و افراد آن در قبال جنایات ارتكابی طی سالیان متمادی در افغانستان کم نمی‌کند؛ بلکه لازمه صدق ادعای تغییر رفتار این گروه تن‌دادن به عدالت و اجرای قانون است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتابها

۱. عبداللهی، محسن، **تروریسم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.
۲. فلک، دیتز، **حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه**، ترجمه سید قاسم زمانی و نادر ساعد، تهران، مؤسسه شهر دانش، ۱۳۹۲.

مقالات

۳. حاجی ده‌آبادی، خاتمی، سعیده، «سیاست جنایی ایران در قبال جرم تأمین مالی تروریسم در پرتو الزامات بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، پاییز ۱۳۹۷، صص ۳۵-۶۴.
۴. حیدری فرد، مهدی، پورقصاب امیری، علی، «جنگ جهانی علیه تروریسم، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۱۴، ش. ۲، تابستان ۱۴۰۰، صص ۹-۳۳.
۵. سبحانی، محمدرضا، میرغیائی، سید عبدالله، صدیق، میرا ابراهیم، «نقش و جایگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه علیه تروریسم»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۱۰ ف ش. ۴، زمستان ۱۳۹۸، صص ۸۶-۱۱۱.
۶. سرتیپی، حسن، بردبار، موسی‌زاده، محمد، «بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۴، ش. ۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۳۹-۷۶.
۷. کیهانلو، فاطمه، «جایگاه مرتکبان جرائم تروریستی در احراز وضعیت پناهندگی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸۸، زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۱۱-۳۳۲.

۸. هنجنی، سیدعلی، فرهادنیا، سعید، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های تروریستی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸۴، زمستان، ۱۳۹۷، صص ۷۱-۹۰.

ب) منابع انگلیسی

Books

9. Arnold, Robert, *The Prosecution of Terrorism as a Crime Against Humanity*, 2004, available at <http://www.zaoerv.de> © 2004, Max-Planck-Institut für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht
10. Bassiouni, C., *Introduction to International Criminal Law*, New York: Transnational Publishers, 2003.
11. Chadwick, E., *Self-determination, Terrorism and the International Humanitarian Law of Armed Conflict*, The Hague 1996.
12. Dustin A. Lewis, Naz K. Modirzadeh, and Gabriella Blum, *Medical Care in Armed Conflict: International Humanitarian Law and State Responses to Terrorism* (Harvard Law School Program on International Law and Armed Conflict (HLS PILAC), Sept. 2015), available at: <http://pilac.law.harvard.edu/research-menu/#research>
13. Henderson, Harry, *Global Terrorism: The Complete Reference Guide*, Switzerland, Geneva, 2011.
14. Higgins, R., *The General International Law and Terrorism* in R. Higgins and M. Flory (eds.), *Terrorism and International Law* (London: Routledge, 1997).
15. Marks, S. and Clapham, A., *International Human Rights Lexicon*, (Oxford: Oxford University Press, 2005).
16. Rubin, Barnett R, Andrey Kazantsev and Thomas F. Lynch III, *Joint U.S.-Russia Working Group on Counterterrorism in Afghanistan*, 2020, www.eastwest.ngo.

Articles:

17. Clark, 2011, AFG-OTP-0001-0079 at 0098-0104; Shah, N., "The Taliban Layeha for Mujahidin and the Law of Armed Conflict", *International Humanitarian Legal Studies*, Vol. 3 (2012), AFGOTP-000
18. Dinstein, Yoram, "The ICRC Customary International Humanitarian Law Study," 82 ILS (2006) 107 [citations omitted] (originally published in 36 IYHR 2006).

19. Brown, Enache C. and Fried, A. 'Universal Crime Jurisdiction and Duty: The Obligation of Aut Dedere Aut Judicare in International Law' 43 McGill Law Journal 613-633 (1998) at 621.
20. Cassese, A. 'The Multifaceted Criminal Notion of Terrorism in International Law', 4 Journal of International Criminal Justice 933-958 (2006).
21. Gasser, Hans, "Acts of terror, 'terrorism' and international humanitarian law," 84 IRRC No. 847 (2002) 554-62.
22. Kovač, M., International criminalization of terrorism Hrvatski ljetopis za kazneno pravo i praksu (Zagreb), vol. 14, broj 1/2007, str. 269.
23. Saul, Ben, "Terrorism and international humanitarian law," in Research Handbook on International Law and Terrorism 214 (ed. Saul, 2014).
24. Shah, N., "The Taliban Layeha for Mujahidin and the Law of Armed Conflict", International Humanitarian Legal Studies, Vol. 3 (2012), AFGOTP-000
25. Randall, K. 'Universal Jurisdiction under International Law' 66 Texas Law Review 785- 842 (1988).

Cases, Documents and Reports;

26. AFG-OTP-0002-3022, "All who are not friends, are enemies: Taleban abuses against civilians", April 2007 ("All Who are Not Friends"),
27. Galić case (ICTY, Judgement, Galić (IT-98-29-T), Trial Chamber, 5 December 2003).
28. ICTY, Prosecutor v. Galić, Appeals Chamber, Judgment, Case No IT-98-29-A, November 30, 2006.
29. November 2017, ICC-02/17-7-Conf-Exp.
30. International Criminal Court, No.: ICC-02/17 Date: 20 November 2017. Para.4 Available at:
www. https://www.icc-cpi.int/courtrecords/cr2017_06891.pdf
31. Jurisprudence of the ICTR and the ICTY, see www.ictt.org and www.icty.org.
32. The Massacre In Mazar-I Sharif, *available at; www.hrw.org*, 1998.
33. Sixth Committee of the UN (19 November 2001), Resolution A/C.6/56/L.22, para 2.
34. Statute of the Special Court for Sierra Leone, available at www.scs-l.org/Documents/scsl-statute.html.
35. Statute of the ICTR, Article 4(d), available at:
www.un.org/ictt/statute.html.

36. United Nations Office on Drugs and Crimes, Vienna Frequently Asked Questions on International Law Aspects of Countering Terrorism UNITED NATIONS New York, 2009, Visited on 12 September 2021 at: <https://www.unodc.org/documents/terrorism/Publications/FAQ/English.pdf>
37. UNAMA, “Afghanistan Annual Report 2016: Protection of Civilians in Armed Conflict”, February 2017, AFG-OTP-0006-3441 (“UNAMA 2016 Annual Report”)
38. UNAM Report on Afghanistan, Report highlights multiple human rights violations and abuses under Taliban, 07.20.2022. at <https://news.un.org/en/story/2022/07/1122892>.
39. United Nations General Assembly resolution, (UN doc. A/RES/46/51 December 9 2001).
40. United Nations, Various Definitions of Terrorism Controversy in Defining Terrorism, available at: <https://dema.az.gov/sites/default/files/Publications/AR-Terrorism%20Definitions-BORUNDA.pdf>, visited on August 11, 2021.
41. U.S. Department of Defense, Law of War Manual §§ 2.9.1.2 and 2.9.4 (2015).

